

بسم الله الرحمن الرحيم

غریب در وطن

به تجربه تاریخ ادیان، همه مذاهب توحیدی و حکمت های عرفانی به لحاظ مغز رسالت های خویش در خارج از قلمروهای نژادی پیامبران و حکیمان و عارفان رشد و نمو یافته اند: مسیحیت در خارج از نژاد بنی اسرائیل یعنی در اروپا. اسلام در خارج از نژاد عرب یعنی در شمال آفریقا، شامات، ایران و آسیا. بودائیزم در خارج از وطن بودا یعنی چین و ژاپن و آسیای جنوب شرقی و حتی در عصر جدید مکتب سوسیالیسم مارکسیستی هم در خارج از اروپا یعنی در روسیه و آسیا و آمریکای لاتین توسعه و نفوذ پیدا نمود. در یک کلمه یعنی هر حقیقتی در قلمرو زایش و پیدایش خود، غریب و مهجور و محکوم به تحریف است. هر حقیقتی در قلمرو نژادی پیام آورش یا در نطفه خفه می شود و یا تحریف شده و فقط بخدمت اشرافیت و برتری نژادی درمی آید. اسلام نیز در میان نژاد عرب چنین سرنوشتی پیدا کرد و تبدیل به خلافت و حکومت های جبار و متجاوز و نژادپرست گردید و از حقایق خود تهی شد. همانطور که امروزه نیز اسلام در نزد پیروان عرب خویش فقط مولد حکومتها و جریانات تکفیری و دجالی است.

اکثر قریب به اتفاق متفکران بزرگ تاریخ اسلام که موجب احیاء و رشد دین مبین بوده اند غیر عرب هستند. نخستین کسی که لغت نامه عرب نوشت یک ایرانی بنام سیبویه فارسی بود. نخستین عارفان تاریخ اسلام ایرانی بودند همچون سلمان فارسی، بایزید بسطامی، حلاج و دیگران! محی الدین ابن عربی بزرگترین عارف تاریخ اسلام و جهان هم زانیده شده و پرورش یافته اسپانیا بود. بزرگترین و معتبرترین مورخ اسلامی طبری است. جهانی ترین طبیب اسلامی، ابن سینا است. در عصر جدید نیز بزرگترین مصلحین و احیاء گران مسلمان نیز غیر عرب و ایرانی بودند همچون سید جمال، اقبال و شریعتی! اگر متفکران بزرگ غیر عرب و بخصوص ایرانی نبودند تاکنون اسلام در جاهلیت و اشرافیت عربی خفه شده بود همانطور که مسیحیت در میان بنی اسرائیل و بودائیزم در هندوستان!

همانطور که پیام انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی ایران به سراسر جهان رسید و ملل بسیاری از این پیامها برخوردار شدند و آنرا الگوی خود ساختند ولی در کشور خودمان در نطفه خفه شد.

همانطور که پیام دین زرتشت و حکمت مانی و مزدک در کشور خودمان تحریف و مسخ و قتل عام گردید ولی این پیامها به اقصی نقاط عالم در شرق و غرب جهان رسید و باعث و بانی حکمت های بزرگی همچون فلسفه یونان باستان گردید.

هر حقیقت و انسان حق پرستی در میان قوم خود غریب و مهجور و چه بسا مقتول است. از اینروست که هجرت شاهراه خروج از این غربت و هجران و خفقان است:

دست بردار از این در وطن خویش غریب دست بردار از این در خانه خود زندان

این واقعیت نشان می دهد که نژاد آدمی تا چه حدی در عداوت با حق قرار دارد.

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۳/۲۴